

۴۰ روز از فقدان آیت‌الله هاشمی، شناسنامه انقلاب گذشت

آموزگار مدرسه مدارا و اعتدال



جای همیشه خالی «آیت‌الله»

سید طه هاشمی
استاد دانشگاه



دی‌ماه سال ۱۳۹۵ نه تنها برای ملت ایران که برای تاریخ معاصر این کشور و برای تمامی اهل دین و دانش و سیاست، سخت اندوهبار بود. شخصیتی جامع‌الاطراف که دوست و دشمن، بزرگی و فخامت وی را گواه بودند دعوت حق را لبیک گفت و ملت ایران، پس از رحلت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، تلخ‌ترین روزها را تجربه کردند. از محروم‌ترین اقشار تا مرفه‌ترین آنان و از عامی‌ترین تا درس‌خوانده‌ترین‌شان، روزگاری را با تدبیر و سیاست وی گذرانده بودند و چشم از او بر نمی‌داشتند و به منش و کلامش به دیده اعتبار می‌نگریستند. نه یک ملت‌که جهان اسلام ودنیای بزرگ شمردند. سیاستمداران بزرگ و با درایت که نظیرش را در تاریخ اسلام هر چه پیش‌تر جویند، کم‌تر یابند؛ مدیری مدبر که هر جا بود و در هر سمتی خدمت می‌کرد، از نگاه مردم، شخصیتی محبوب و اثرگذار و از نگاه اهل فن، مدبر و مجرب، به شمار می‌آمد. اعتبار خود را از کردار خویش و اعتماد مردم گرفت و آن را مدیون کسی یا گروهی نبود. چه در دوران مبارزات پیش از انقلاب و چه در زمان تصدی ریاست مجلس و ریاست جمهوری و مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و مناصب گوناگون دیگر، به مسند خویش آبرو می‌بخشید و به جایگاه خود اعتبار می‌داد. او مصداق بارز «شرف‌المرکان بالمکین» بود. خلاف رای و خواسته ملت، چیزی نخواست و هم از این رو بود که او را تا سرای ابدیش محترم داشتند و بر مرگش دردمندان گریستند.

بهره‌گیری از استعداد جوانان در کنار تجربه پیران راه، ویژگی برجسته مدیریتش بود و این هر دو را به خوبی یک‌جا جمع می‌کرد. دانش و دانشمندان و علما را ارج می‌نهاد. چه خود از زمره ایشان بود و در میان بزرگان دین و دانش، چون گوهری تابناک می‌درخشید. خویشان را بر دیگران مقدم نمی‌داشت و در پیشگاه عدل و داد جانب حرمت فرو نمی‌گذاشت. در برابر حرمت شکنی‌ها، شکیبایی پیشه ساخت و حرمت‌شکنان را حتی به کلامی نیبازرد و منزلت خویش را بازیچه نابخردان نکرد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (ره) هوشی سرشار و نوعی افتخارآمیز با خود داشت و کلامش نافذ و دیدگاه‌هایش همواره بدیع و راهگشا بود و هیچ گاه رنگ و بوی کهنگی نگرفت. در کشاکش روزگار، همواره با تمام وجود از جان و آبروی خویش برای استوار ماندن انقلاب اسلامی و شکوفایی هرچه بیشتر جوانان و مردان و زنان این مرز و بوم گذشت. شاید ریخ و محنت او در دوران بد اخلاقی‌ها و بی‌انصافی‌ها کمتر از دوران سخت فرماندهی جنگ که کشور را رو در روی دشمن می‌دید نبود. چه در روزگاری که به‌عنوان سردار سازندگی نقش آفرید و چه در روزگار پس از آن. به شهادت یار قدیمش رهبر معظم انقلاب، چندین بار تا مرز شهادت پیش رفت و کشتی طوفان زده کشور را دوشادوش ملت و رهبر به ساحل امن رهنمون شد. عزم استوار و بینش صحیح، سبب می‌شد نیک بداند که چه می‌خواهد، به‌کجا باید رفت و چه باید کرد.

او چنین زیستنی را از جوانی آغاز کرده بود و تا دم مرگ ادامه داد. هاشمی شیفته قرآن کریم و مصلحان و سیاستمدارانی چون امیر کبیر بود. این شیفتگی را می‌شد همواره در کلام و نگاه و سیره‌اش به وضوح دید. انس او با قرآن، برای وی نه عبوسی به همراه آورد و نه تجر. بلکه به عکس در آن بلند نظری را جست و فراگرفت. این گونه، میان اشراقیت و وسعت فکر فرق نهاد و دریافت باید کجاها ساده گیرانه‌تر هزینه کرد و کجاها تغییر اجتماعی را به رسمیت شناخت. او به برکت هوش والا و تدبیر در قرآن دریافت بود که نمی‌شود همه خوبی‌ها را با هم داشت و بدین سان، شجاعانه راهی را برمی‌گزید که به رشد و آبادانی کشور بینجامد.

هاشمی مردی از جنس مردم بود و این مردمی بودن را نه در منشی عوام فریبانه، که در تعاملی صمیمانه و گفت‌وگویی همدلانه با همگان حاصل کرده بود. مردم او را خطیبی کم‌نظیر می‌دانستند. آنها ساعت‌ها مشتاقانه خطبه‌هایش را در نماز جمعه می‌شنیدند. خطبه‌هایی توأم با دیانت و سیاست. شخصیت‌های منصف از جناح‌های مختلف سیاسی، مراجع معظم تقلید با نگرش‌ها و رویکردهای مختلف، عالمان اهل سنت ایران، دانشمندان و محققان و استادان حوزه و دانشگاه، بازاربانان، اقلیت‌های مذهبی و قومی و همه کسانی که خیر وطن را می‌خواستند، خویش را به وی نزدیک می‌دانستند. او مثل همه مردم ایران در این دوران گذار، بارها تغییر فکر و روش داد و از تحول نهراسید و خویش را بر میرا از خطا ندانست. مانند همه مردم که در ازدحام روزانه شهرها رنجور می‌شوند، آخرین ساعات عمر خود را نیز در شلوغی‌های دود آلود خیابان‌های تهران گذراند.

و سرانجام دانشگاه آزاد اسلامی... دست‌پرورده خلف آیت‌الله. او این درخت تنومند را از روزگاری دور که نهالی نوپا و آسیب پذیر بود به دست خویش پروراند و لحظه به لحظه بالندگی آن را به نظاره نشست و آن را در برابر تندبادهای سهمگین، باتمام وجود حفظ کرد و چون امانتی گرانبها به نسل جویای دانش و فرهنگ سپرد. آخرین حضور او در این دانشگاه مصادف بود با برگزاری نخستین جشنواره شیخ طبرسی و اهدای جایزه علامه طباطبایی (ره). و چه نیکو از قرآن و علوم آن گفت و چه سخن‌هایی بدیع بر زبان آورد که نشر آن می‌تواند نسل امروز و فردا را با اندیشه‌های وی در باب مصحف شریف آشنا سازد.

هاشمی در این سخنرانی از خاطرات جوانی گفت، از نقشی که خانواده در انس وی با قرآن ایفا کردند، از اینکه عشق به قرآن او را به تحصیل علوم دینی کشاند. از اینکه چگونه شگفتی‌های دوران ستمشاهی را به عشق قرآن از یاد می‌برد و از اینکه چگونه در اوج آن سختی‌ها به فکر نگارش تفسیر افتاد.

بی شک ماه‌ها و سال‌های بعد جای خالی و پر نشدنی وجود عزیز او را بیشتر نمایان خواهد کرد. بر این مصیبت صبر می‌کنیم و از خداوند متعال برای آن بزرگ علو درجات و آرزومندی.

گفت و گو با دکتر غلامعلی رجایی مشاور مرحوم آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی

افشای خط انحراف، آخرین کار هاشمی

گروه تاریخ- دکتر غلامعلی رجایی متولد سال ۱۳۳۶ در دزفول، دکترای تاریخ از دانشگاه تربیت مدرس و استاد رشته تاریخ در دانشگاه تهران و پژوهشکده انقلاب اسلامی و امام خمینی است. او بیش از بیست و هفت سال سابقه مطبوعاتی و کار رسانه‌ای و نوشتن بیش از سیصد مقاله در رسانه‌های عمومی و مجلات تخصصی علمی و پژوهشی و حدود ۴۰ جلد کتاب در زمینه سیره شهدا و جنگ، سیره امام خمینی و صحیفه‌نور، اشعار آیینی و عاشورایی و تاریخ به تحریر یا ترجمه در کارنامه خود دارد. غلامعلی رجایی در سال‌های اخیر مشاور مرحوم آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی بود. به مناسبت چهل‌مین روزگردگشت مردی که به قول رجایی هنوز کسی نمی‌خواهد فقدان وی را بیاورد. گفت‌وگویی با ایشان انجام داده‌ام که در پی می‌آید:

■ آقای رجایی به‌عنوان نخستین سؤال می‌خواهیم از شما که یکی از نزدیک‌ترین افراد به ایشان بودید، بپرسیم چرا شخصیت مرحوم هاشمی رفسنجانی به‌عنوان یک چهره مطرح سیاسی مورد توجه بسیاری از سیاستمداران و حتی رسانه‌ها قرار می‌گرفت؟

یکی از مشکلاتی که منوجه مرحوم هاشمی می‌شد بزرگی شخصیت وی بود. در جوامعی مثل جوامع ما که انقلاب گراست و به لحاظ اینکه جامعه متمدن است و دارای یک فرهنگ ۷ هزار ساله است، طبیعاً عده‌ای، عده دیگری را بر نمی‌تابند و خصالت‌هایی را که خداوند به آنان داده قاعدتاً برای برخی این ظرفیت وجود ندارد که شخصیت‌هایی چون هاشمی را تحمل کنند. مرحوم هاشمی، هم خودش و هم خانواده‌هایش همیشه مورد آماج تهمت‌ها بودند. به روز مثال زمانی که ساخت و ساز در کیش را به پسر وی محسن نسبت می‌دادند یا شایعه‌ای که در مورد دختری فائزه گفته می‌شد که در کانادا اتوبان‌سازی می‌کند، طی تحقیقات انجام شده مشخص شد و حتی به کانادا رفته. از این دست

از هم لباسی‌های وی نیز به ایشان حمله می‌کردند. به طور مثال گفته بودند که موضوع ترور صحت ندارد. در مقابل این سخنان مرحوم هاشمی فقط می‌گفت جواب ندهید. اما گاهی که ضروری می‌شد و ما اصرار می‌کردیم و حتی یکی دو بار خود من گفتم باید به این موارد پاسخ داد تا در آینده ثبت تاریخ شود. تا آنجایی که من خاطر هست وی نه از کسی شکایت کرد و نه کسی را به دادگاه کشاند. به‌رحال مسلمان هستیم و کسی که ایمان دارد و اهملای ندارد که حتی دنیا به او حمله کند چون می‌داند که خداوند پاسخ می‌دهد.

■ آقای هاشمی تا‌نگته‌های زیادی داشتند. یکی از آنها شاید مربوط به انتخابات سال ۸۴ باشد که ایشان در این مورد سکوت کردند. ارزشیابی شما از این سکوت و باز شدن قفل این تا‌نگته‌ها چیست؟

آقای هاشمی اسرار زیادی را با خود برد، کم‌الینکه بعضی از تا‌نگته‌های خود را به ما هم نمی‌گفت. عقلانی است که هر آنچه را کسی می‌داند نباید بگوید و هیچ جای دنیا این‌گونه نیست و ما نیز در یک خطبه شهادت دادند که اموال مرحوم هاشمی بعد از انقلاب، کمتر شده که بیشتر نشده است و این شهادت در تلطیف جوی که علیه هاشمی درست کرده بودند بسیار مهم بود، و معروف است که وی در زندان و بیرون از زندان شبکه‌های داشته است که از خانواده‌های بی‌بضاعت زندانیان حمایت مالی می‌کرده است.

تصور من این است که از هاشمی به مثابه یک ظرفیت دفاع نشده. البته گاهی دفاعیاتی از وی شد اما بیشتر از این انتظار می‌رفت. متأسفانه طی این سال‌ها به طور مکرر به وی جسارت می‌شد و حتی

■ با توجه به آزاد اندیشی مرحوم هاشمی نوع تفکر ایشان را در این زمینه تشریح کنید.

در این چند سالی که با وی همراه و همکار بودم ایشان بسیار روی بحث نواندیشی تکیه می‌کرد و کتابی نیز در این زمینه نوشتند که به چند زبان ترجمه شد. وی مقاله خود را مستند کرد در زمینه آزاداندیشی مطرح کردند و کسی شکایت کرد و نه کسی را به دادگاه کشاند. به‌رحال مسلمان هستیم و کسی که ایمان دارد و اهملای ندارد که حتی دنیا به او حمله کند چون می‌داند که خداوند پاسخ می‌دهد.

■ چندین کتاب از مرحوم هاشمی به چاپ رسیده است، خاطرات بعدی ایشان به چه صورت منتشر خواهد شد؟

کتاب‌های آیت‌الله هاشمی به سه دسته تقسیم می‌شود: یکی باز می‌گردد به گذشته تا زمانی که در قید حیات بودند. خاطرات ایشان تا سال ۷۲ منتشر شده و هنوز ۲۳ جلد آن باقی مانده است. هر سال هم خاطرات مربوط به یک سال ایشان منتشر می‌شود. البته من و فرزند ایشان روشی متفاوتی در این مورد داریم. برای خود مرحوم هاشمی بوده باشد. بارها اجازه دهند سالی چند جلد از آن منتشر شود تا خودشان نیز خوشحال شوند اما ایشان موافقت نکردند. یک دسته دیگر از این کتاب‌ها مربوط می‌شود به مصاحبه‌های ایشان و حداقل هفته‌ای یک مصاحبه را شامل می‌شد. و دسته دیگر که شامل سخنرانی‌های وی می‌شود که تدوین شده است اما فعلاً چاپ

نمی‌شود. ■ با توجه به اینکه سال‌ها در کنار مرحوم هاشمی فعالیت می‌کردید هنگام شنیدن خبر فوت ایشان چه حسی داشتید؟

تصور من این است تمام کسانی که با مرحوم هاشمی کار کردند و من که هر روز از ساعت ۹ صبح تا عصر در خدمت وی بودم و عمدتاً در جلسات همراه وی بودم شخصیت وی به قدری جذاب بود که فرد از زمینه آزاداندیشی مطرح کردند و وی می‌شد. به گونه‌ای که اگر چند روز او را نمی‌دیدم واقعا دلتنگشان می‌شدم و به خود وی نیز می‌گفتم و تمام کسانی که با مرحوم همکاری می‌کردند همین حس را داشتند. خصوصیات اخلاقی وی همه را شیفته خود می‌کرد. از راننده وی که ۲۸ سال در خدمتشان بود پرسیدم خاطره جالبی از مرحوم دارد که بگوید. گفت: در طی این سال‌ها به یاد ندارم که مرحوم هاشمی جلوتر از من سلام نکرده باشد. و همیشه در احوالپرسی پیشقدم بودند. به ایشان می‌گفتم که من خدمتگزار شما هستم شما چرا همیشه به من سلام می‌کنید. لبخند می‌زدند و می‌گفتند که بگذار توابش به من برسد. وی به ریزترین نکات توجه داشتند تا بزرگترین مسائل و همین تعامل را در سطح جامعه با اقبال مختلف داشتند. من هنوز باور ندارم که وی در قید حیات نیستند هر مرگ امر حقی است اما مرگ هاشمی برای خیلی‌ها مثل من وارد شدن یک شوک بزرگ بود. کسی که پشتیبان نظام و رهبری و جریان اعتدال باشد و سعی کند تا این جریان را به جای بهتری برساند. البته وی کار خود را انجام داد و به اعتقاد



من کار نتامی نداشت و آخرین کار وی افشای جریان انحرافی بود و به‌رحال برای وی باید طلب رحمت کنیم. ■ سؤال آخر اینکه مرحوم هاشمی از نگاه شما دارای چه شخصیتی بود؟

مرحوم هاشمی پرورش یافته مکتب اسلام و امام بود. او فردی بود که اندیشه برای وی باید طلب رحمت کنیم. ■ سؤال آخر اینکه مرحوم هاشمی از نگاه شما دارای چه شخصیتی بود؟